

اصل همکاری گرایس در متون خبری؛

بررسی معانی ضمنی دو خبر مشابه در ارتباط با اصل همکاری گرایس

دکتر اردشیر زابلی‌زاده[✉]، رامین گلشاهی*، سید ندا موسوی**

چکیده

تبادل کلامی و زبانی میان انسان‌ها، به صورت توالی عبارات و جملات منفک و منفصل نیست. این عبارات زبانی، دست‌کم تا حدودی، تلاش‌هایی مشارکتی هستند که هر یک از افراد مشارکت‌کننده در گفتگو، هدف یا مجموعه اهدافی را در آنها تشخیص می‌دهند و یا سمت و سوی مورد توافق در گفتگو را به رسمیت می‌شناسند. این هدف یا سمت و سو، می‌تواند از ابتدا ثابت باشد؛ یا اینکه در طول تبادل کلام متحول شود. پاول گرایس، اصل همکاری را با چهار قاعده کلی آن، به عنوان رهنمود ارتباط ایده‌آل در معنی‌شناسی و ارتباط مطرح کرده است. اما این اصل، همیشه به صورت کامل رعایت نمی‌شود زیرا به دلایل گوناگونی ممکن است از قاعده‌های کلی آن، تخطی صورت بگیرد. با هر بار تخطی از اصول گرایس، معانی ضمنی‌ای تولید می‌شود، که معنای صریح را دچار خلل می‌کند. در این مقاله، اصل گرایس در دو متن خبری مورد ملاحظه قرار گرفته است. اصول گرایس که به اصول تعاون شهرت دارند، دارای چهار اصل کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه هستند که رعایت آنها در هر مکالمه‌ای باعث ایجاد ارتباط کامل و مشترک می‌شود.

کلید واژه: گرایس، اصل و قواعد کلی همکاری گرایس، معناشناسی گفتمانی، خبر، اصول تعاون

مقدمه

«کاربردشناسی^۱» (عمل‌گرایی) مفهوم جدیدی در زبان‌شناسی است. کاربردشناسی، با معنی گوینده و تفسیر «پاره‌گفتارها^۲» از سوی خواننده سروکار دارد. وقتی تعاملی بین دو نفر اتفاق می‌افتد، آنان ملزم به رعایت دستورالعمل‌هایی هستند تا از گفتگوی خود بیشترین استفاده را ببرند. همه اینها به این واقعیت مسلم وابسته است که مردم تمام توانایی خود را در ارتباط و تعامل به کار می‌برند. اصل همکاری به سهم افراد در یک تعامل زبانی اشاره می‌کند؛ این اصل را می‌توان به عنوان دستورالعملی در نظر گرفت که با اجرای آن گفتگویی موفق و بامعنی صورت می‌گیرد. البته به هر دلیل ممکن است مورد تخطی قرار گیرد و متون خبری نیز از این قاعده مستثنا نیستند. هر بار که با نادیده گرفتن یکی از قواعد کلی آن، از اصل همکاری گرایس تخطی می‌شود، معانی ضمنی تولید می‌شود. معنی ضمنی از شفافیت معنی می‌کاهد و معانی تلویحی را به مخاطب منتقل می‌کند.

هدف پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی چگونگی کارکرد اصل گرایس^۳ و قواعد کلی آن در متون خبری است. با توجه به اینکه متن خبری به صورت اخص و رسانه‌ها به صورت اعم، بخشی از گفتمان عمومی را تشکیل می‌دهند، در این تحقیق در پی آن هستیم که ببینیم یک متن خبری تا چه حد از ایده‌آل اصل همکاری گرایس پیروی خواهد کرد.

روش پژوهش

در این پژوهش، به بررسی قاعده کمیّت گرایس در مقایسه دو متن خبری می‌پردازیم. دو مقوله «معنای مصداقی^۴» و «معنای مفهومی^۵» برای این مقایسه در نظر گرفته شده‌اند. این مفاهیم از زمره مفاهیم رهیافت معناشناسی گفتمانی هستند. معنی‌شناسی گفتمانی، با در نظر گرفتن دو رهیافت اساسی انتزاعی و انضمامی، به تبیین معنا در گفتمان می‌پردازد.

1. Pragmatics

2. utterance

3. Grice

4. extensional

5. intensional

در این مقاله، متن دو خبر از سایت بی بی سی فارسی مورد تحلیل قرار گرفته است. دلیل انتخاب این دو متن خبری، شباهت دو رخداد خبری است که مبنای آنها بوده‌اند. این دو خبر درباره تظاهرات و اعتراضاتی هستند که به ترتیب، در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ در پاریس و لندن برپا شدند. با در دست داشتن دو متن خبری، یکی داخلی و دیگری خارجی با مبنای مشابه از یک سایت خبری، فضایی فراهم می‌شود که در آن بهتر می‌توان اصل همکاری گرایس را به صورت عینی و تطبیقی مورد آزمون قرار داد. هیچ رسانه‌ای بر اساس راهبردها و راهکارهای ملی و مصلحتی خود، در پخش خبرهای منفی داخلی، به پوشش کامل رخداد نمی‌پردازد و به این ترتیب، بی بی سی که رسانه‌ای انگلیسی و نیمه دولتی است، در حالی که در خبر رخداد لندن، مصالح سیاسی را بر اصل همکاری گرایس مقدم می‌دارد، در پخش رخداد پاریس، همه تلاش خود را به کار می‌برد تا با استفاده هر چه بیشتر از شواهد و قراین، هیجان خبر را بالا ببرد و تعمیم آن را افزایش دهد.

چهارچوب نظری پژوهش

بحث از اصل همکاری گرایس، بحثی مربوط به فلسفه زبان و البته معنانشناسی فلسفی است. در فلسفه زبان، عمده مباحث، مربوط به «کارگفت»^۱ و مفاهیم ذیل آن است که در این راستا، تطور یافته است.

آستین^۲ (۱۹۶۲) برای نخستین بار، مفهوم کارگفت را به صورت گسترده مورد تأمل قرار داد. البته پیش از آن بوهلر^۳ (۱۹۷۸) نیز به صورتی دیگر، این مفهوم را مطرح کرده بود. نگاه وی در خصوص با کارگفت و معنی، در مدل «أرغنون»^۴ وی بیان می‌شود. این مدل به نظریه یاکوبسون^۵ (۱۹۷۴) در نقش‌های زبانی می‌رسد. کارگفت‌ها به صورت عام، در برگیرنده مفاهیمی چون قول دادن، دستور دادن، تعارف کردن، هشدار دادن، دعوت کردن و تبریک گفتن هستند. از نظر آستین (۱۹۶۲) کارگفت‌ها را در سه سطح می‌توان بررسی کرد. کنش بیانی^۶، کنش غیر بیانی^۷، کنش پس بیانی^۸. کنش بیانی، اجرای یک پاره‌گفتار است. پاره‌گفتار

1. Speech act

2. Austin

3. Bühler

4. Organon

5. Jakobson

6. locutionary

7. illocutionary

8. perlocutionary

عملی است که معنای همراه آن، شامل کنش‌های آوایی و خطابه‌ای متناظر با وجوه زبانی، نحوی و معنایی می‌شود. کنش غیر بیانی «نیروی غیر بیانی»^۱ معنایی پاره‌گفتارها است، به عبارتی، معنی واقعی و مورد نظر. کنش پس بیانی، اثر عملی پاره‌گفتار است، یعنی تأثیری همانند ترغیب، متقاعدسازی و روشنگری همچنین اینکه از کسی چیزی بخواهیم یا به چیزی تحقق ببخشیم اعم از اینکه از قبل مورد نظر ما باشد یا نباشد.

اصل همکاری گرایس

مجموعه آثار آستین (۱۹۶۲) و سِرل^۲ (۱۹۶۹) تا حدود زیادی به رابطه کارگفت‌های مستقیم و غیر مستقیم پرداخته‌اند. همان طور که پیشتر بیان شد، در این آثار، در مورد چیزی صحبت می‌شود که ما با کلمات «انجام» می‌دهیم: «زبان نیز مانند کنش‌هایی چون باز کردن در یا بستن پنجره است». این استدلال‌ها از رهیافت‌های صحیح ناصحیح و تکیه بر مفهوم و مرجع به عنوان منبع معنا که در آثار فرگه^۳ (۱۸۹۲) دنبال می‌شد، فاصله می‌گیرند افزون بر این، نسبت به معنای جمله، علاقه‌مندی زیادی به معنای پاره‌گفتار پدید می‌آید. به این معنی که در سطح گفتمان، تناظر یک‌به‌یک بین صورت زبان‌شناختی و معنای پاره‌گفتار وجود ندارد. برخی از معانی مطلوب از طریق کارگفت‌های غیر مستقیم بیان می‌شوند.

آنچه گرایس به آن می‌پردازد، همین تمایز بین گفتن^۴ و معناداری^۵ است. بررسی اینکه گویندگان چگونه به این نکته پی می‌برند که چطور معانی تلویحی را تولید کنند و چگونه فرض می‌کنند که مخاطبان آنان با اطمینان معنی مطلوب آنها را می‌فهمند؟ هدف گرایس از مطالعاتش کشف سازوکاری بود که در پشت این فرایند قرار دارد. برای مثال، به این مکالمه توجه می‌کنیم:

- از اون بطری شیر چیزی مونده؟

- پنج دقیقه دیگه می‌رم مغازه خرید.

1. illocutionary force

2. Searle

3. Frege

4. saying

5. meaning

در مثال بالا، هر فارسی‌زبانی می‌داند که شیری باقی‌نمانده است و برای درک این موضوع هیچ مشکلی ندارد و متوجه می‌شود که به زودی دوباره یک بطری شیر دیگر خریداری می‌شود. بنابراین، جمله اول علاوه بر یک معنی صریح مبنی بر باقی‌نماندن شیر، حامل یک معنی تلویحی دستوری برای خرید یک بطری شیر دیگر است. برای تبیین این گونه معانی، گرایس اصلی به نام «اصل همکاری» را به همراه چهار قاعده کلی مربوط به آن ارائه می‌کند:

اصل همکاری. «سهم خود (در تعامل زبانی) را در حد مورد نیاز و در جایی که این تعامل روی می‌دهد، با توجه به هدف و سمت و سوی تعامل زبانی که در آن شرکت دارید، ایفا نمایید» (گرایس، ۱۹۷۵، ص ۴۵).

قواعد کلی^۱ ابعاد، این اصل را به صورت متمایزی بیان می‌کنند. این قواعد در ارتباط با چهار عاملی هستند که از نظر گرایس در یک مکالمه ایده‌آل نقش اساسی بر عهده دارند. قواعد کلی اصل همکاری گرایس عبارتند از:

کمیت^۲. در تعامل و همکاری زبانی خود، تا حدی که مورد نیاز است اطلاعات ارائه کنید.
کیفیت^۳. چیزی که کذب بودنش را باور دارید نگوئید. چیزی را که برای آن شواهد کافی در اختیار ندارید، نگوئید.

ارتباط^۴. مرتبط سخن بگوئید.

شیوه^۵. از مبهم‌گویی پرهیز کنید.

از گنگی معنا اجتناب کنید.

موجز سخن بگوئید. (از درازگویی غیر ضروری پرهیزید)

منظم باشید (همان، صص ۴۶-۴۵).

تحلیل گفتمان معناشناختی

بحث از اصل همکاری گرایس، بحثی معناشناختی است؛ برای تحلیل خبر و هر متن

1. maxim

2. quantity

3. quality

4. relation

5. manner

دیگری ما از ابزار معناشناسی گفتمانی استفاده می‌کنیم. به طور کلی، معنی‌شناسی، نظریه‌ای مؤلفه‌ای است که در چهارچوب نظریه بزرگ‌تر نشانه‌شناسی جای می‌گیرد. این حوزه مطالعاتی، رفتارهای بامعنی و نمادین را مورد پژوهش قرار می‌دهد. معناشناسی گفتمانی، معنی‌شناسی پاره‌گفتارهای زبان‌های طبیعی را مد نظر قرار می‌دهد، به سخن دیگر، معنی‌شناسی گفتمانی و عناصر مؤلفه‌ای آن مانند کلمات، عبارات‌ها، بندها، جملات و واحدهای دیگری که در این حوزه مورد توجه پژوهشگران قرار دارند. شاید بتوان گفت عام‌ترین مفهوم مورد استفاده در یک نظریه معنایی، تعبیر است. تعبیر ممکن است گونه‌های مختلفی داشته باشد و این بسته به نوع نظریه‌ای است که در آن مطرح می‌شود.

برای رعایت شفافیت، بهتر است که در همین ابتدا، بین تعبیرهای «انضمامی» و «انتزاعی» تمایز قایل شویم. دستور زبان، تعبیری انتزاعی از زبان به دست می‌دهد، به این معنی که با انتزاع از خود متن، معنی را تعبیر می‌کند. از سوی دیگر در زبان‌شناسی شناختی^۱، مدل‌هایی شناختی می‌شود. این مدل‌ها، متناظر با شناخت انسان هستند. معنی در روان‌شناسی در ارتباط مستقیم با این مدل‌هاست. از آنجا که در این رهیافت، انسان و مدل‌های شناختی او مورد پژوهش واقع می‌شوند، این رهیافت تعبیری انضمامی به دست می‌دهد.

نوع تعبیری که از طریق آن معانی به عبارات‌ها تخصیص داده می‌شوند، «تعبیر مفهومی^۲» نامیده می‌شود. جدا از این تعبیرهای مفهومی، «تعبیرهای مصداقی^۳» را هم داریم. این تعبیرها، وابسته به تعبیرهای مفهومی هستند: روندکار به این صورت است که عبارت‌هایی با معانی مفروض، می‌توانند به ابژه یا مختصه‌ای^۴ در جهان اشاره کنند. در نتیجه، ارائه تعبیر مصداقی برای یک گفتمان، به این معناست که مشخص کنیم گفتمان مزبور درباره چه چیزی است، یعنی تعیین افراد، مختصات، حالت‌ها یا موقعیت‌های گفتمان که مصداق‌های آن را در مدلی صوری تشکیل می‌دهند. این نوع معنی‌شناسی مصداقی، همان است که به صورت سنتی مورد پژوهش قرار می‌گیرد و بیشتر در قالب اصطلاحات صوری و در فلسفه و منطق یافت می‌شود. همان طور که دیدیم، معنی‌شناسی گفتمانی تنها انتزاعی نیست، بلکه تصورات معنایی، مدل‌های

1. cognitive psychology 2. conceptual interpretation 3. inferential interpretation
4. property

شناختی روان‌شناسی و هوش مصنوعی را نیز در خود دارد. برای مثال، برای آنکه بتوانیم گفتمانی را تعبیر کنیم، یعنی به آن معنی و مصداقی تخصیص دهیم، به مقدار زیادی دانش عمومی نیازمندیم که آن را تنها در چهارچوب زبان‌شناسی یا دستور زبان، یعنی در واژگان، می‌توان توصیف کرد (وان دایک^۱، ۱۹۸۵، ص ۱۰۴).

در عین حال، تحلیل گفتمان معنی‌شناختی، بعد معنای مصداقی نیز دارد. ما در پی این هستیم که بدانیم توالی‌های جمله‌های گفتمان به چه چیزی ارجاع دارد. به صورت سستی، فلسفه و منطق ایزه مصداق برای جمله را با «ارزش صدق» توصیف می‌کنند؛ صدق و کذب. بنابراین، ارزش صدق و کذب گزاره‌های ترکیبی هم بر اساس معنی معین رابط‌هایی (برای نمونه و، یا، اگر ... آنگاه) که گزاره‌ها را به هم پیوند می‌دهند، مشخص می‌شود. در این سنت انتظار داریم که معناشناسی گفتمان، قواعدی را مشخص کند که ارزش صدق و کذب گفتمان را به عنوان یک کلیت، بر اساس ارزش صدق و کذب جملات منفرد تعیین می‌کنند. اگر چه چنین انتظاری تا حدودی منطقی است، دلایل متعددی را می‌توان عنوان کرد که بنا بر آنها در اینجا نمی‌توان از آن رهیافت پیروی کرد، زیرا برای مثال، جمله‌ها و گزاره‌های یک گفتمان، تنها با رابط‌های منطقی به هم متصل نیستند. همچنین رهیافت نقشی ارزش صدق بسیار محدود است و تنها در مورد گفتمان‌های بافت‌های تصدیقی^۲ موضوعیت دارد؛ یعنی در کارگفت‌های تأیید^۳ و نمی‌توان آن را برای پرسش‌ها^۴، فرمان‌ها^۵، پیشنهادها^۶، تبریک‌ها^۷ و اتهام‌ها^۸ به کار گرفت (همان، ص ۱۰۵).

پس ما فرض می‌کنیم که ایزه‌های معناداری برای جمله‌ها، شواهد مسلم^۹ هستند، یعنی شواهد مسلمی که «جهان ممکن^{۱۰}» را می‌سازند. یک نظریه کاربردشناختی به اثبات این نکته می‌پردازد که آیا این شواهد مسلم، بخشی از جهان ممکن مفروضی هستند یا خیر و آیا بر اساس کارگفت‌های اجرا شده حین بیان و استفاده از گفتمان در بافت اجتماعی ویژه، چنین شاهد مسلمی اتفاق خواهد افتاد.

-
- | | | |
|--------------------|------------------------|-----------------------------|
| 1. Van Dajk | 2. affirmative context | 3. speech acts of assertion |
| 4. questions | 5. orders | 6. promises |
| 7. congratulations | 8. accusations | 9. facts |
| 10. possible world | | |

در این مقاله، جملات «مفهومی» و «مصدیقی» به عنوان دو متغیر موجود در متن با همدیگر مقایسه خواهند شد. جملات مصدیقی ارجاع به شواهد مسلم دارند، در حالی که جملات مفهومی، بیشتر برداشت نویسنده و تعبیر و تشریح شواهد مسلم هستند.

تحلیل داده‌ها

اصل گرایس را در قالب قواعد کلی آن نمی‌توان با یک خوانش ثابت و تعمیم یافته در نظر گرفت. به عبارت دیگر، بسته به اهداف گفتگو و بافت رویداد زبانی، انتظار مشارکت‌کنندگان و یا مخاطبان است که کمیت، کیفیت، موضوعیت و شیوه بیان اطلاعات تعیین می‌شود. به همین دلیل ما در انتخاب داده‌ها دو خبر را انتخاب کردیم تا بتوانیم به صورت نسبی، کارکرد قواعد کلی این اصل را مورد نظر قرار دهیم. در تحلیل متون خبری این مسئله را مدنظر داریم که رسانه‌ها به طور عام در برخورد با مسائل حساس، ناچارند از معانی تلویحی استفاده کنند و برای اشاره صریح به مسائل، فضای مانور کمتری دارند.

متن خبری (۱) به موضوع «ناآرامی‌های فرانسه» اشاره دارد که از وب‌سایت «بی بی سی فارسی» (۲۰۰۵، دوم نوامبر) گرفته شده است:

خبر (۱) شیراک به دنبال آرام کردن آشوبگران پاریس:

۱. یک هفته پس از آشوب‌های پاریس، ژاک شیراک رئیس‌جمهوری فرانسه در مورد «وضعیت خطرناک» موجود هشدار داد و خواستار آرامش در نواحی آشوب‌زده‌ای شد که به طور عمده در حومه پاریس قرار گرفته‌اند. ۲. در طول شب گذشته، دست‌کم ۱۵ اتومبیل در اولنه سوبوا در حومه شمال شرق پاریس به آتش کشیده شد و پلیس با شلیک گلوله‌های پلاستیکی به متفرق کردن آشوبگران پرداخت. ۳۴ نفر نیز دستگیر شدند. ۳. آشوب وقتی شروع شد که دو نوجوان از مهاجران شمال افریقا دچار برق‌گرفتگی شدند و جان باختند. مردم محلی می‌گویند آن دو از دست پلیس می‌گریخته‌اند؛ گرچه مقامات منکر این موضوع شده‌اند. ۴. افراد معترض مأموران پلیس را متهم کرده‌اند که شامگاه یکشنبه به درون یک مسجد نیز گاز اشک‌آور شلیک کرده‌اند. پلیس این خبر را تکذیب کرده است. ۵. پرزیدنت شیراک گفت: «قانون باید در فضای گفتگو و احترام اعمال شود. فقدان گفتگو و افزایش رفتار مبتنی بر بی‌احترامی به قانون به

وضعیت خطرناکی منجر خواهد شد». نخست‌وزیر فرانسه و وزیر کشور، سفرهای خارجی خود را به تعویق انداخته‌اند تا برای آرام کردن اوضاع تلاش کنند. آنها با خانواده‌های قربانیان و رهبران محلی و مقامات پلیس دیدار کرده‌اند تا تنش موجود را حل و فصل کنند اما همزمان با گفتگوهای آن دو، خشونت‌های بیشتری اتفاق افتاد و به محله‌های دیگری از پاریس گسترش یافت. پلیس گفت که روز سه‌شنبه، در ۹ شهرک فقیرنشین از منطقه سن دنی ۶۹ خودرو به آتش کشیده شد. ۶. طی آشوب‌های خیابانی جوانان معترض بار دیگر به سوی مأموران پلیس سنگ پراندند و چند ماشین را به آتش کشیدند. مأموران سعی کردند با پرتاب گاز اشک‌آور جوانان را متفرق کنند. این ناآرامی‌ها در محلات شمال شرق پاریس روی داد؛ اما به گزارش پلیس محله کلیشی که در روزهای اخیر کانون اصلی آشوب بوده است، شبی به نسبت آرام را پشت سر گذاشت. پلیس تاکنون چندین جوان را دستگیر کرده است. ۷. مأموران پلیس از سوی مهاجران ساکن حومه و برخی از رسانه‌ها به اعمال خشونت متهم شده‌اند. ۸. خانواده دو جوان مقتول روز دوشنبه از دیدار با نیکولا سارکوزی وزیر کشور فرانسه خودداری ورزیدند. ۹. وزیر کشور اعتراض جوانان را «جنایت و ناامنی» خواند و اعلام کرد که مصمم به مبارزه قاطع با این گونه عملیات است. ۱۰. فرانسه بزرگ‌ترین کشور مهاجران مسلمان در اروپا در تمام روزهای گذشته ناآرامی‌ها در حومه شمال شرقی پاریس ادامه داشته است. نارضایتی جوانان بیکار که بدون امید و چشم‌انداز آینده در خیابان سرگردان هستند، زمینه مساعدی برای افزایش روحیه طغیان و شورش است. ناآرامی‌های اخیر پاریس بار دیگر نگاه ناظران را به منطقه‌ای بی‌نهایت حساس جلب کرده که در صورت بی‌توجهی می‌تواند کانون تنش‌های شدید و خطرناک باشد. در حومه‌های فقیرنشین پیرامون پاریس به طور عمده خانواده‌های مهاجران مسلمان و عرب‌تبار سکونت دارند که در شرایطی سخت و نابسامان زندگی می‌کنند. ۱۱. اغلب صاحب‌نظران عقیده دارند که مهاجران در جامعه فرانسه به خوبی جذب نشده‌اند. آنها با خرده‌فرهنگ‌های بیگانه به فرانسه آمده و در انزوا باقی مانده‌اند. بسیاری از آنها نظام سیاسی و حقوقی فرانسه را دشمن خود می‌دانند. در فرانسه، اسلام، دومین مذهب کشور به شمار می‌رود.

۱۲. برخی آمار تخمینی. فرانسه ۵ میلیون نفر مسلمان دارد که غالب آنها از کشورهای عرب شمال آفریقا هستند: ۳۵ درصد با اصالت الجزایری، ۲۵ درصد با اصالت

مراکشی و ۱۰ درصد با اصالت تونسی. بیشتر این مهاجران در حومه‌های فقیرنشین شهرهای پاریس، لیل، لیون و ماری سکونت دارند.

خبر (۲) نیز مربوط به ناآرامی‌های لندن است. این خبر از سایت بی بی سی فارسی (۲۰۱۱، نهم اوت) گرفته شده است:

خبر (۲) نخست وزیر بریتانیا: آرامش و امنیت را به شهرهای آشوب‌زده بازمی‌گردانیم:

۱. کامرون گفته است اقدامات لازم برای بازگرداندن امنیت و آرامش به شهرها صورت خواهد گرفت. نخست‌وزیر بریتانیا از اقدامات جدی‌تر برای پایان دادن به ناآرامی‌های خیابانی در لندن و شهرهای دیگر این کشور سخن گفته است. صبح روز سه شنبه، ۱۸ مرداد (۹ اوت)، دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا، پس از شرکت در جلسه کمیته امنیت ملی کشور - موسوم به کمیته کبرا - که به منظور بررسی حوادث اخیر تشکیل شده بود، گفت که دولت به اقدامات لازم برای خاتمه دادن به ناآرامی‌ها دست خواهد زد. آقای کامرون «صحنه‌های خشونت و غارت در خیابان‌های بریتانیا» را غیرقابل قبول توصیف کرد و گفت که از امروز، شانزده هزار مأمور پلیس، مأموریت مقابله با ناآرامی‌ها و استقرار نظم در لندن را بر عهده خواهند گرفت. وی گفت که برای این منظور، تمامی مرخصی‌های نفرات پلیس لغو شده و هزاران تن از مأموران از نقاط مختلف به لندن اعزام می‌شوند. نخست‌وزیر بریتانیا با یادآوری اینکه تاکنون چهارصد و پنجاه نفر در ارتباط با شرکت در ناآرامی‌ها بازداشت شده‌اند، هشدار داد که بازداشت شرکت‌کنندگان در ناآرامی‌های خیابانی ادامه می‌یابد و کسانی که مرتکب خشونت شده‌اند تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. در حالی که گزارش‌های خبری حاکی از آن است که بسیاری از کسانی که در آشوب‌های خیابانی و غارت فروشگاه‌ها شرکت داشتند، جوانان و نوجوانان بوده‌اند، آقای کامرون گفت: «کسانی که به سنی رسیده‌اند که می‌توانند دست به شورش و غارت بزنند، برای برخورد قانونی نیز بالغ هستند.» آقای کامرون همچنین گفت که به منظور رسیدگی به حوادث اخیر، تعطیلات تابستانی مجلس به مدت یک روز لغو خواهد شد و وی برای ارائه گزارش مربوط به اقدامات دولت، در جلسه فوق‌العاده مجلس شرکت خواهد کرد. ۲. ناآرامی‌های لندن از شب شنبه و در پی تجمع گروهی از ساکنان محله تاتنهام در اعتراض به کشته شدن یک

جوان سپاهپوست آغاز شد که حمله به پاسگاه پلیس و گسترش ناآرامی در این محله را در پی آورد. طی روزهای بعد، ناآرامی به چند محله دیگر لندن نیز سرایت کرده و با حمله به مأموران پلیس، به آتش کشیدن ساختمان‌ها، خودروهای پلیس، اتومبیل‌های شخصی، اتوبوس‌ها و غارت فروشگاه‌ها همراه بوده است. ۳. رسانه‌های بریتانیا از بروز ناآرامی در نقاط مختلف لندن در ساعات شب گذشته خبر داده و گفته‌اند که گروه‌هایی از جوانان تعدادی ساختمان و خودرو را به آتش کشیدند و با حمله به فروشگاه‌ها، به غارت آنها پرداختند و مأموران پلیس را هدف بطری و وسایل آتش‌بازی قرار دادند. ۴. شب گذشته، پلیس لندن اعلام کرد که یک‌هزار و دویست مأمور دیگر را برای حفظ امنیت لندن در سطح شهر مستقر کرده است. وی گفت که طی بیست و چهار ساعت آینده، بر شمار مأموران پلیس حفظ امنیت پایتخت افزوده خواهد شد. ۵. همزمان، گزارش شده است که چند شهر دیگر نیز دستخوش ناآرامی شده‌اند. از جمله گروهی از جوانان در بخشی از شهر برمینگام به حرکت درآمده‌اند و چند فروشگاه را در مرکز این شهر غارت کرده‌اند. از بروز ناآرامی در شهرهای بریستول و لیورپول نیز گزارش‌هایی در رسانه‌های بریتانیا انتشار یافته است. ۶. در حالی که به نظر نمی‌رسد شورش‌های خیابانی با انگیزه‌های مشخص اجتماعی یا سیاسی صورت گرفته باشد، برخی از رسانه‌ها یادآور شده‌اند که کاهش هزینه‌های دولتی باعث ناخرسندی در میان طبقات کم‌درآمد شده است. چند ماه پیش، تظاهرات گسترده دانشجویان در اعتراض به افزایش شهریه دانشگاه‌ها در لندن برگزار شد که در چند مورد به خشونت کشیده شد. ۷. هشدار جمهوری اسلامی. روز سه‌شنبه، اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، اطلاعیه‌ای حاوی اظهارات رامین مهمانپرست، سخنگوی این وزارتخانه را منتشر کرد که خواستار «خویش‌اندازی پلیس انگلیس در برخورد با تظاهرکنندگان در منطقه تاتنهام» شده بود. بر اساس این اطلاعیه، آقای مهمانپرست از دولت بریتانیا خواسته است «از هر گونه برخورد خشونت‌آمیز جلوگیری نماید و با انجام گفتگو و بررسی خواست‌های تظاهرکنندگان، موجب بازگشت آرامش گردد». وی همچنین ابراز امیدواری کرده است که «نهادهای مستقل حقوق بشری در راستای رعایت آزادی‌های فردی و صیانت از حقوق شهروندی، با انجام تحقیقات لازم نسبت به کشته شدن این جوان سپاهپوست اقدام نمایند». اشاره سخنگوی وزارت خارجه به کشته شدن یک جوان سپاهپوست در

محلّه تاتنهام لندن است که به گفته پلیس، هنگام دستگیری با تیراندازی مأموران از پای در آمد و باعث بروز اعتراضات منجر به شورش در این محلّه شد*.

الف) تحلیل داده‌ها بر اساس قاعده کلی کمیت

قاعده کلی کمیت گرایش حکم می‌کند که مشارکت‌کنندگان در یک رویداد گفتگویی، اطلاعات را نه زیاد و نه کم، بلکه در حد مورد نیاز ارائه دهند. در صورتی که این قاعده کلی به هنگام گفتگو، نادیده گرفته یا نقض می‌شود، یا بخشی از معنای گفتمان ناگفته می‌ماند و با نگفتن آن، معانی تلویحی پیرامون آن موضوع در ذهن مخاطب شکل می‌گیرند و یا اینکه اطلاعات اضافی باعث برساخت مفاهیمی اضافی در ذهن مخاطب می‌شود.

۱. قاعده کلی کمیت در خبر فرانسه

صورت متن اول را در خصوص وقایع پاریس، بر اساس انسجام معنایی به صورت زیر تقطیع می‌کنیم. این تقطیع بر اساس توالی گزاره‌هایی است که به طور تقریبی یک واحد معنایی متن یا یک بند (پاراگراف) را تشکیل می‌دهند.

۱. (یک هفته ... قرار گرفته‌اند): ۳۵ کلمه
۲. (در طول شب ... دستگیر شدند): ۳۸ کلمه
۳. (آشوب ... منکر موضوع شده‌اند): ۳۷ کلمه
۴. (افراد معترض ... تکذیب کرده است): ۲۹ کلمه
۵. (پرزیدنت شیراک ... به آتش کشیده شد): ۱۱۲ کلمه
۶. (طی آشوب‌های خیابانی ... دستگیر کرده است): ۷۱ کلمه
۷. (مأموران پلیس ... متهم شده‌اند): ۱۸ کلمه
۸. (خانواده ... خودداری ورزیده‌اند): ۱۶ کلمه
۹. (وزیر کشور ... عملیات است): ۲۲ کلمه
۱۰. (فرانسه ... زندگی می‌کنند): ۱۰۴ کلمه
۱۱. (اغلب صاحب‌نظران ... به شمار می‌رود): ۵۳ کلمه

* تقطیع متن بر اساس انسجام معنایی است. هر کدام از این واحدها یک بند است.

۱۲. (برخی آمار تخمینی ... سکونت دارند): ۴۷ کلمه

۱۳. کل متن: ۵۸۱ کلمه

بند اول، مطلع گفتمان خبری است و از اهمیت زیادی برخوردار است. در این بخش، از «آشوب‌های پاریس»، «ژاک شیراک» و «وضعیت خطرناک» نام برده می‌شود. اما در همین بخش به جمله موصولی «نواحی آشوب‌زده‌ای که به طور عمده در حومه پاریس قرار گرفته‌اند» نیز اشاره می‌شود که موضوعیتی ندارد. این جمله، تنها پاریس را به عنوان پایتخت فرانسه وارد بحث می‌کند و معانی ضمنی هرج و مرج در پایتخت فرانسه را به دنبال دارد.

بند دوم، طبق روند روایت خبر، فاکت‌های لازم را برای بار اطلاعاتی بخش اول در اختیار می‌گذارد و گره‌افکنی را تشدید می‌کند. در این بند، مصادیق کنش معترضان توصیف می‌شود. کنش معترضان بخش اصلی موضوع است، اما جمله «پلیس با گلوله‌های پلاستیکی به متفرق کردن آشوبگران پرداخت»، جمله‌ای است که اطلاعات اضافی ارائه می‌دهد و حضور آن تنش موجود میان اعتراض‌کنندگان و پلیس را تداعی می‌کند. معنای تلویحی اضافی «زد و خورد میان معترضان و پلیس» است. همچنین انتخاب واژه «آشوبگران»، خبر از ورود بی‌نظمی می‌دهد.

بند سوم، در ادامه روایت، زمان‌مندی روایت را تعیین می‌کند. در این بند، زمان روایت از «دو نوجوان» شروع می‌شود که بدون ارائه دلیل، مورد تعقیب پلیس واقع شده‌اند. این ابهام در بندی که قرار است زمان و مکان را مشخص کند، قابل توجه است. در این بند، گروه حرف اضافه‌ای «از مهاجران شمال آفریقا»، اولین نشانه‌های معنای تلویحی سوگیرانه این متن را آشکار می‌کند: «دو نوجوان از مهاجران شمال آفریقا دچار برق‌گرفتگی شدند». به نظر نمی‌رسد که رسانه‌ای خبری همچون بی‌بی‌سی نتوانسته باشد اطلاع بیشتری در این مورد ارائه دهد. مهاجران آفریقا، در اینجا به صورتی کلی مورد اشاره قرار می‌گیرند و این راهکار، در راستای راهبردی صورت گرفته است که آن «بیان تلویحی جذب نشدن این مهاجران از سوی جامعه فرانسه» است.

بند چهارم، در راستای بالا بردن ظن شکاف بین معترضان و دولت فرانسه است. در این بند، از قول معترضان گفته می‌شود که پلیس به درون مسجدی گاز اشک‌آور شلیک کرده است و البته کل موضوع از سوی مقامات انکار شده است. این خبر در مورد

اتفاقات روی داده در پاریس اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد و نمی‌توان موضوعیتی برای آن قایل شد، اما این بند از نظر کمی، اطلاعاتی ارائه می‌دهد که کمیت را نقض می‌کند. بند پنجم، بدون ارائه زمینه (زمان و مکان) سخنرانی شیراک، بخشی از گفته‌های وی را بازتاب می‌دهد. از این نظر، از اصل کمیت عدول شده است. پس از آن اشاره می‌شود که شیراک و سارکوزی با خانواده‌های قربانیان دیدار کرده‌اند تا تنش موجود را حل کنند. در عین حال، دو کنشگر دیگر؛ یعنی رهبران محلی و مقامات پلیس، در متن به آنها اضافه می‌شوند که به طور طبیعی نمی‌توانند در یک زمان و در یک مکان در واقعیت کنار هم بوده باشند. این اطلاعات اضافی، به طور همزمان، چهار مقوله از کنشگران (سیاستمداران، مردم، مقامات محلی و پلیس) را در کنار هم می‌گذارد. در بخش‌های بعدی می‌بینیم که این زمینه چینی از پیش‌فرض‌های متن است و باید در پایان متن نسبت این گروه‌ها با یکدیگر مشخص شود.

در بند ششم، نیز گزاره‌هایی آمده که معنای مشخصی ندارند و تنها به آشفتگی تصویر برداشتی از متن در مورد فرانسه می‌انجامند. در این داستان خبری، به صورت یک در میان، فاکت و اظهارنظر سیاسی آورده شده است. این بند، بدون ارائه هر گونه اطلاعات جدید در مورد قضیه، تنها اسامی و نفرات و اعداد جدیدی را وارد گزارش می‌کند. بدیهی است که این خبر، توصیف فرانسه است و به نظر نمی‌رسد که مخاطبان فارسی زبان، پاریس را آن قدر بشناسند که نیاز باشد به خیابان‌ها و مناطق شهرداری آن، با این جزئیات پرداخته شود.

در مورد بند هفتم نیز، مشخص نیست که قصد از بیان این فاکت چیست؟ پیش از این درباره اتهام پلیس در خصوص مرگ مشکوک دو نوجوان صحبت شده بود و نیازی نبود که به این شیوه و بدون استناد، بار دیگر در این مورد (اتهام پلیس در مورد آغازگر ماجرا) بحث شود.

بند هشتم، با رعایت عوامل انسجام متن زیرمجموعه بند پنجم است و باید در همان بند می‌آمد. با این شیوه بیان می‌توان آن را از نظر کمی، اضافی فرض کرد. بند نهم نیز از نظر انسجام متن و معنای گفتمانی، مرتبط با بند پنجم است. نویسنده برای بحرانی جلوه دادن اوضاع همان طور که گفته شد، در صدد است تا حداکثر ممکن، اشخاص و افراد بیشتری را در ماجرا دخیل کند.

بند دهم، مصداق مسلم نقض اصل کمیت است. این بند در واقع، تحلیلی جامعه‌شناختی از اوضاع اجتماعی محله‌های فقیرنشین پاریس است و به عنوان ریشه اعتراضات و اثبات گفته‌ها آورده شده است. این گزاره‌ها، در سطحی بالاتر از نگاه رسانه‌ای و با زبانی تعمیم‌یافته‌تر از زبان رسانه‌ای ارائه شده‌اند.

بند یازدهم، از نظر انسجامی، وابسته به بند قبلی است. در این بند، از زبان افراد دیگری که متخصص هستند؛ یعنی «اغلب صاحب‌نظران»، گزاره‌هایی در تأیید اوضاع بد مسلمانان و عرب‌تبارهای مهاجر در فرانسه بیان می‌شود.

بند دوازدهم، آمارهایی است که وارد بحث‌های جمعیتی مهاجران مسلمان می‌شود. اگر این بند را جداگانه در نظر بگیریم، به نظر نمی‌رسد که بخش‌هایی یک خبر باشد. آوردن این بخش در انتهای خبر بیشتر نشان‌دهنده ایدئولوژی پنهان بی‌بی‌سی و القای این مطلب است که بیشتر مهاجران فرانسه، عرب‌تبار و همیشه در دسرافرین هستند. و به همین دلیل، فرانسویان نتوانسته‌اند با این مهاجران کنار بیایند. سه بند آخر که ما آنها را با تسامح سه گزاره می‌خوانیم، از نظر اصل کمیت گرایس اضافی هستند؛ شاید در گفتمان‌های دیگری موضوعیت داشته باشند، اما در این متن، به عنوان خبری حاکی از رویدادهای اعتراضی از اصل کمیت گرایس تخطی کرده‌اند. البته ممکن نیست که ما آنها را بی‌ارتباط با متن جلوه دهیم، اما ناگفته گذاشتن بسیاری از اطلاعات مورد نیاز در خبر، این گزاره‌ها را بیشتر در تقابل با اصل کمیت قرار می‌دهد.

پیچیدگی روابط متنی، ساختارها، سطوح و ابعاد آن، به گونه‌ای است که دست نویسنده را باز می‌گذارد تا با استفاده از آنها، معانی تلویحی، بینش‌ها و گفتمان خود را به مخاطب القا کند.

۲. قاعده کلی کمیت در خبر انگلیس

صورت زبانی خبر دوم را مانند خبر اول، بر اساس انسجام معنایی به هشت بند تقسیم می‌کنیم. این تقطیع، بر اساس توالی گزاره‌هایی است که به طور تقریبی یک واحد معنایی متن یا یک بند را تشکیل می‌دهند.

۱. (کامرون ... شرکت خواهد کرد): ۲۹۵ کلمه

۲. (ناآرامی‌های لندن ... همراه بوده است): ۸۱ کلمه

۳. (رسانه‌های بریتانیا ... قرار داده‌اند): ۵۴ کلمه
۴. (شب گذشته ... افزوده خواهد شد): ۴۱ کلمه
۵. (همزمان ... انتشار یافته است): ۵۷ کلمه
۶. (در حالی که ... به خشونت کشیده شده است): ۶۸ کلمه
۷. (هشدار جمهوری اسلامی ... در این محله شد): ۱۴۰ کلمه
۸. کل متن ۷۳۹ کلمه

بند یک، در این متن، همچون خبر قبلی، با اظهار نظر بالاترین مقام دولتی در انگلیس آغاز می‌شود. در این بند، دو جمله اول برای گشایش بحث کافی است و مخاطب تنها با همان تعداد به مفهوم می‌رسد. اما در مقایسه با خبر قبلی، این بند به طور تقریبی ۹ برابر است. در این بند، اطلاعات اضافی زیادی در خصوص با «جلسه امنیت ملی کشور موسوم به کبرا»، «نظر توصیفی کامرون در ارتباط با اعتراضات لندن»، «تعداد نیروهای پلیس برای مقابله با معترضان»، «وضعیت مرخصی نیروهای پلیس»، «تعداد بازداشتی‌ها»، «خط‌ونشان کامرون برای معترضان»، «نام‌گذاری کنش معترضان به آشوب‌های خیابانی و غارت فروشگاه‌ها»، «طبقه سنی معترضان» و «تعطیلات مجلس» ارائه شده است که همگی در راستای بزرگ جلوه دادن دولت و اقتدار دولت انگلیس در برخورد با معترضان است. از سوی دیگر، این اطلاعات به نویسنده اجازه می‌دهد که برای مثال، با طرح «طبقه سنی معترضان»، «خط‌ونشان کامرون برای معترضان» و «نام‌گذاری کنش معترضان به آشوب‌های خیابانی و غارت فروشگاه‌ها» بتواند به تحقیر معترضان بپردازد و تمامی کنش‌های آنان را غیر قانونی و ضد مدنی بازتاب دهد.

در بند دوم، با طرح کشته شدن یک جوان، اطلاعاتی درباره زمان، مکان و کنشگرانی که آغازگران این ماجرا بوده‌اند، ارائه می‌شود. به همراه این اطلاعات، اطلاعاتی اضافی که ناقض اصل کمیت است، مطرح می‌شود و در عین حال، طرح برخی از مفاهیم عقیدتی، راه را برای پیش برد روایت دلخواه دولت انگلیس هموار می‌کند. «سیاه پوست»، «حمله به مأموران پلیس»، «به آتش کشیدن ساختمان‌ها» و «غارت فروشگاه‌ها» اطلاعاتی اضافی هستند که نه تنها سوگیری را در روند توصیف مشخص می‌کنند، بلکه از همان ابتدا به جای ارائه خبرهای مرتبط با ماجراهای اتفاق افتاده، در صدد برساخت هویت این معترضان در ذهن مخاطب‌اند.

بند سوم، فاکتی است که بی‌بی‌سی در خصوص با گفته خودش مطرح می‌کند و درصدد است که به مخاطب بفهماند، این بی‌بی‌سی نیست که این زبان را پی می‌گیرد، حتی رسانه‌های انگلیس هم به این موضوع با همین زبان پرداخته‌اند. البته از رسانه‌های مورد نظر نام نمی‌برد. در این بند طرح می‌شود که رسانه‌های بریتانیا خبر از این داده‌اند که گروه‌هایی از جوانان تعدادی ساختمان را به آتش کشیده‌اند.

بند چهارم، همچنان در راستای اقتدار پلیس ارائه شده است و از تعداد پلیس‌های اعزامی برای سرکوب معترضان خبر می‌دهد. بدیهی است که در این متن، به صورتی کلی، ابتکار عمل و کنشگری به پلیس نسبت داده شده است و معترضان در مرتبه دوم و البته خرابکار معرفی شده‌اند. بیشتر متن مربوط به توصیف واکنش پلیس در برخورد با معترضان است.

بند پنجم، باز هم شامل اطلاعات بی‌استنادی است که در راستای توصیفات حدسی و فرضی معترضان ارائه می‌شود. متن این بند، با توصیفی که از معترضان به دست می‌دهد و البته باراطلاعی اضافی است، معنای ضمنی ناشناس بودن و نادانی تعدادی جوان را به مخاطب تزریق می‌کند.

بند ششم، به صورت عینی، نظر نهایی را درباره اعتراض‌ها بیان می‌کند. این اطلاع اضافی هم بدون استناد بیان شده است. «در حالی که به نظر نمی‌رسد شورش‌های خیابانی با انگیزه‌های مشخص اجتماعی یا سیاسی صورت گرفته باشد ... طبقات کم‌درآمد ... خشونت» گزاره‌ای اضافی است که درصدد خلق هویت برای معترضان است و در یک متن خبری فوری هیچ موضوعیتی ندارد.

بند هفتم، گزاره‌ای در مورد هشدار وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران خطاب به دولت انگلیس است. این گزاره نیز با توجه به موضع سایت بی‌بی‌سی و گفتمان آن در نسبت با ایران به اندازه کافی به معانی ضمنی بحث اضافه می‌کند. به این ترتیب، این سایت با تحقیر معترضان، پیام ایران را در خصوص این قضیه، با معنای برساختی برای آنان همنشین کرده است. به نظر نمی‌رسد که اشاره به این پیام ضرورت داشته است، زیرا در این صورت تمامی اظهارنظرهای سیاسی باید مورد بررسی قرار می‌گرفت.

در این متن خبری می‌بینیم که نویسندگان تلاش کرده‌اند، برخلاف خبر قبلی، بیشتر به اظهارنظر سیاسی و کمتر به شرح وقایع پردازند. از نظر کمی بیشتر این متن پرداخت

رسانه‌ای به واکنش دولت و پلیس انگلیس به این روند است. در نتیجه، وضعیت سیاسی و اجتماعی انگلیس آرام جلوه داده می‌شود. در این متن، به نوعی می‌توان تلاش برای ارائه ندادن اطلاعات را مشاهده کرد. بیش از آنکه در خصوص با تظاهرات و کنشگران آن بحث شود، به واکنش‌های مقامات سیاسی و پلیس پرداخته شده است و کمبود اطلاعات در مورد تظاهرکنندگان مشهود است. تنها دو مورد از گزاره‌های خبری این متن، مصداقی است و بیشتر آن تفسیر و اظهار نظر است.

ب) تحلیل داده‌ها بر اساس قاعده کلی کیفیت

با توجه به چهارچوب معناشناسی، متون خبری انتخابی را از نظر تعداد جملات مصداقی و مفهومی مورد تحلیل قرار داده و به نتایج زیر دست یافته‌ایم.

جدول ۱- اطلاعات کمی تحلیل متن

مؤلفه‌های گفتمانی	ناآرامی‌های فرانسه	ناآرامی‌های انگلیس
جملات مصداقی	۲۶	۱۴
کل جمله‌ها	۵۸	۶۶
درصد جملات مصداقی به کل	۴۴/۸۲	۲۱/۲۱

قاعده کلی کیفیت به گونه‌ای مستقیم، مسئله خبر و اطلاع‌رسانی را دغدغه می‌کند. این قاعده کلی به ما می‌گوید: «چیزی که کذب بودنش را باور دارید نگویید؛ چیزی را که برای آن شواهد کافی در اختیار ندارید، نگویید».

با مقایسه دو خبر در ارتباط با نسبت جملات مصداقی آنها به کل جملاتشان، به نتایج جالب توجهی می‌رسیم. جملات مصداقی همان جملاتی هستند که فاکت‌های خبرها در آنها بیان شده‌اند. این نسبت در مورد اخبار فرانسه ۴۴/۸۲ درصد از کل جمله‌ها و در مورد اخبار انگلیس ۲۱/۲۱ درصد از کل آنهاست. بیشتر جملات مصداقی که در این خبرها به کار رفته‌اند، با حدس و گمان همراهند و نمی‌توان آنها را به تمامی درست تلقی کرد. تعداد جملات مصداقی متن اعتراضات انگلیس، به طور تقریبی نصف تعداد جملات مصداقی متن فرانسه است. پس در مورد خبر انگلیس حدود

۸۰ درصد متن، جملات مفهومی و گفته‌های سیاستمداران است که بیشتر اخلاق و اقتدار را بیان می‌کند، این راهبرد معترضان را تعداد اندکی جوان کم سن و سال و ترجیحاً فقیر جلوه می‌دهد، در حالی که در مورد خبر فرانسه ۴۵ درصد متن در رابط با مصادیق است و این تعداد تصویر خبر را بیشتر به سمت خیابان و آشوب می‌برد، آشوبی که در آن مسلمانان مهاجر به دلیل اجحافی که بر آنها رفته است و به دلیل پذیرفته نشدن جامعه، به شکلی گسترده و خارج از کنترل پلیس به خیابان‌ها ریخته‌اند و آمارشان هم خیلی زیاد است. این در حالی است که این فاکت‌های بیان شده، هیچ مرجع معینی ندارند و نمی‌توان آنها را در نهایت علمی یا تحقیقی دانست. پس این سایت بر اساس اصل کیفیت چیزی را بیان کرده است که به آن اطمینانی ندارد و ممکن است کذب باشد. از سوی دیگر، فاکت‌های بیان شده در خبر انگلیس، بیشتر به توصیف واکنش پلیس در برخورد با معترضان می‌پردازند.

ج) تحلیل داده‌ها بر اساس قاعده کلی ارتباط

در قاعده کلی ارتباط اصل همکاری گرایش داریم که «مرتبط سخن بگویند». مرتبط سخن گفتن یا حفظ موضوعیت در سخن گفتن، به تناسب متن با موضوع مورد توصیفش بازمی‌گردد. بدون توجه به رویکرد خبرنگار یا هیئت تحریریه، خود خبر به مثابه متن است که روشن می‌سازد چه چیز مرتبط بیان شده است و چه چیز در بحث موضوعیت ندارد. این رهیافت ریشه در فلسفه زبان و معنی‌شناسی دارد که مخاطب این متن را می‌خواند و جهان ممکن را در ذهن متصور می‌شود. ما گزاره‌هایی که این جهان ممکن را برمی‌سازند مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

متن در نهایت، معنایی را در ذهن مخاطب برمی‌سازد و این معنا، فراتر از همه جزئیات مطرح شده در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. ساختار مضمونی^۱ معنایی است که مورد نظر ماست. ساختار مضمونی بر ساختی از گزاره‌های تشکیل‌دهنده متن است. این گزاره‌ها بر روی هم، معنایی کلی را می‌سازند که آن را می‌توان عنوان متن^۲ نیز نامید. زمانی که به تحلیل ساختار معنایی متون می‌پردازیم، به این نکته پی می‌بریم که متن در نهایت معنی‌ای را

1. thematic structure

2. topic

می‌رساند. ممکن است که این متن بار اطلاعاتی زیادی را در قالب مضامین انتقال دهد و در نهایت آنچه ادعا می‌شود در متن بیان شده است، به طور تلویحی و به آرامی چرخش کند و در نهایت مضمون دیگری اثبات شود. این رهیافت، رهیافت گفتمان‌محور و معنا‌محور به متن است. با این مقدمه، به تحلیل ساختار مضمونی دو متن خبری می‌پردازیم تا ببینیم قاعده کلی ارتباط از اصل همکاری گرایس، چه نسبتی با این متون دارد.

۱. قاعده کلی ارتباط در خبر فرانسه

در خبر اعتراضات در فرانسه، متن بر اساس انسجام معنایی به ۱۲ بند تجزیه شد. این بند ممکن است از یک گزاره یا بیشتر تشکیل شده باشند. به ظاهر، این متن خبری درباره اعتراضات فرانسه است. اما در حوزه معانی تلویحی، متن چیز دیگری را هم به ذهن ما متبادر می‌سازد.

متون خبری، چیزی بیش از آنچه به ظاهر بازتاب می‌دهند، در ذهن مخاطبان برمی‌سازند. معنای ضمنی همراه این متن را که از نظر اصول گرایس ضرورت ندارد، اما از نظر نویسندگان بی‌بی‌سی ضروری تلقی شده است، می‌توان با اندکی تسامح به این صورت نوشت: «مسلمانان بیشترین تعداد مهاجران فرانسه را تشکیل می‌دهند، جذب جامعه فرانسه نشده‌اند، در حومه شهرها ساکنند و در وضع بدی به سر می‌برند؛ پس بی‌دلیل نیست که اعتراض کرده‌اند». این معنی، جزء اصلی خبر نیست، اما با استفاده از فنون روایی و خطابه‌ای، مضمون اصلی خبر شده است. در زیر، بر ساخت معنایی این مضمون را بررسی می‌کنیم. در بند یک، دو گزاره وجود دارد. نخست، هشدار ژاک شیراک در مورد وضعیت خطرناک و سپس بیان اطلاعات تلویحی. این گزاره، حومه پاریس را مطرح می‌کند. اصطلاح «حومه...» حامل معانی تلویحی بسیاری است. این تلویح در ساخت مضمونی خبر نقشی اساسی دارد که در ادامه خواهیم دید.

بند دوم، ارائه فاکت است و همه اطلاعات آن با خبر مرتبط است.

بند سوم، درباره شروع اعتراضات است. در این بند، گروه حرف اضافه‌ای «از مهاجران شمال آفریقا» که اسناد «دو نوجوان» است، در ادامه معنای تلویحی و غیرمرتبط «حومه پاریس» بیان شده است. در همین بند، استفاده از گروه اسمی «مردم محلی» به جای برای مثال، «ساکنان» دوباره با «حومه پاریس» ارتباط برقرار می‌کند. در این بند، «مردم محلی»، «پلیس» و «مقامات» در تقابل با هم به تصویر کشیده شده‌اند.

بند چهارم، بیان یک گزاره است که نویسنده یا نویسندگان از صحت آن بی‌اطلاعند و این را ذکر هم می‌کنند، اما این بند، بار اطلاعی اضافی و غیر مرتبطی را که به دنبال آن است، کامل می‌کند. در این گزاره، واژه «مسلمان» به اطلاعات تلویحی متن اضافه می‌شود تا ساختار مضمونی در نهایت به شیوه‌ای ترکیب یابد که سایت بی بی سی به دنبال آن است.

بند پنجم، بار اطلاعی خبری مرتبطی دارد، اما در این بند، گزاره پایانی، دارای یک ترکیب وصفی است: «شهرک فقیرنشین». در این ترکیب وصفی، فقیرنشین صفتی است که بار اطلاعی تلویحی را ارائه می‌دهد.

در بند ششم، باز هم اطلاعات مرتبطی در خصوص فاکت‌های این اعتراضات بیان شده است. در این اطلاعات باز هم مضمون مورد نظر ما به صورت تلویحی ادامه پیدا می‌کند و این بار واژه «جوانان» به مضمون مورد نظر اضافه می‌شود تا در پایان به ساختار مضمونی مورد نظر برسیم.

بند هفتم، در مورد ظن معترضان به پلیس و مشروعیت نداشتن آن نزد مردم است. این بند، ادعایی را بیان می‌کند که به طور طبیعی، در هر درگیری از سوی معترضان بیان می‌شود، ولی کاربرد ترکیب «مهاجران ساکن حومه»، که پلیس را به خشونت متهم کرده‌اند، نشان از دوری این افراد از دولت و شکافی اساسی میان مهاجران و جامعه فرانسه دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

بند هشتم نیز از نظر گفتمانی، فاکتی در تأیید بند قبلی است (شکاف بین مهاجران و بدنه اجتماعی فرانسه). هر چند این بند را نمی‌توان اطلاع غیر مرتبط با خبر نامید، در قیاس با خبر اعتراضات در انگلیس (ریشه اعتراض به برخورد نژادپرستانه پلیس انگلیس با مهاجران به سال‌ها پیش بازمی‌گردد)، ریز اخبار با جزئیات در اختیار خواننده گذاشته می‌شود. همان طور که در خبر انگلیس خواهیم دید، تلاش شده است که هیچ اطلاعی در مورد معترضان اشاعه پیدا نکند تا آنان به هویت مشخصی منتسب نشوند.

بند نهم، واکنش سارکوزی را در تأیید گفته‌های قبلی بیان می‌کند که به طرز محسوسی خبر از لایه‌های سیاسی راست‌گرا و مخالفت با مهاجران در سیاست فرانسه می‌دهد.

بند دهم به طور کلی، ساختار مضمونی مورد نظر ما را کامل می‌کند و در یک خبر پر حادثه و پر فاکت موضوعیت ندارد. در این بند، تنها اطلاعاتی بیان شده است که معانی ضمنی قبلی در ساختار مشخصی قرار گیرند. علاوه بر آن جملات توصیفی و تأکیدی هم بیان شده است که این ساختار معنایی را کامل می‌کند («به طور عمده

خانواده‌های مهاجران مسلمان و عرب‌تبار سکونت دارند که در شرایطی سخت و نا به سامان زندگی می‌کنند».

در بند یازدهم، گزاره‌های بند قبلی که در مورد مهاجران بیان شده بود، به ساخت‌های کلان‌تری ارتقا داده شده و مسئله را به صورت بنیادی در ساخت‌هایی چون نظام سیاسی و حقوقی فرانسه مطرح کرده است. در همین بند «اسلام» دوباره مورد تأکید قرار می‌گیرد. این بند دارای بار اطلاعی ضمنی و غیر مرتبط است.

بند دوازدهم نیز، آماری را در این خصوص بیان می‌کند تا علاوه بر به کارگیری یکی از ابزارهای خطابه خبری یعنی «عدد» هم بر ارزش و اعتبار خبر بیفزاید و هم ساختار مورد نظر ما را «برساخت مضمون مهاجران مسلمان در دسرساز در فرانسه» به صورت تلویحی به ساختاری کامل ارتقا دهد.

چنان که در تحلیل ساختار مضمونی این خبر دیدیم، در برساخت معنای متن، معنایی تلویحی از ابتدا مطرح می‌شود و تا انتها تعمیم می‌یابد. نکته مهم این است که این معنای ضمنی ارتباطی با رویدادهای خبری ندارد و بیشتر بازتاب ایدئولوژی‌های این سایت است. سایت به جای پوشش خبری دقیق رویداد به کار تعبیر و تفسیر و پیش‌بینی می‌پردازد. وانگهی این سایت می‌توانست همه این اطلاعات را در قالب کلمات و گزاره‌های صریح‌تر بیان کند تا ابتدا قاعده کلی ارتباط نقض نشود و سپس این همه پیش‌فرض در ارتباط با مسلمانان در رسانه‌ها بازتاب داده نشود. شایان ذکر است که این خبر در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است. در آن دوران، کشورهای غربی بویژه انگلیس و امریکا، نیازمند برقراری و برساخت گفتمان اسلام ستیزی بودند تا حضور خود را در عراق موجه جلوه دهند.

۲. قاعده کلی ارتباط در خبر انگلیس

متن خبری اعتراضات مردم در شهرهای انگلیس، دارای اطلاعات تلویحی زیادی است که به طور رسمی از متن خبر به عنوان محملی برای بیان آنها استفاده شده است. این اطلاعات، با استفاده از دو راهکار ارائه شده‌اند: یکی، با دادن اطلاعات بیش از نیاز مخاطب و دیگری، با ندادن اطلاعات، آنجا که مخاطب نیاز به اطلاعات داشته است. معانی ضمنی این متن، بازتاب دو مضمون است: یکی، اقتدار دولت و پلیس لندن، که

به خبر ارتباطی ندارد و بیشتر ثابت می‌کند رسانه‌ها همیشه موازی با قدرت پیش می‌روند و دیگری، تلاش برای گمنام ماندن هویت معترضان، تا بی بی سی بتواند این حرکت عظیم و گسترده را به دزدی از فروشگاه‌ها تقلیل دهد. در زیر برساخت این مضامین را در شیوه روایی خبر جستجو می‌کنیم. این برساخت به موازات گزاره‌های خبری بیان می‌شود و در نهایت با ذهن مخاطب بازی می‌کند.

بند اول، گشایش بحث خبری است و با ارجاع به گفته‌های بالاترین شخص سیاسی انگلیس بیان شده است. این بند، از نظر کمی، طولانی است و مشخص نیست به چه دلیل باید در این خبر، بخشی به این اندازه در حدود ۲۹۵ کلمه، به توصیف واکنش‌های دولت انگلیس در برابر اعتراضات تخصیص داده شود. در این بند، اعتراضات مردم «صحنه‌های خشونت و غارت در خیابان‌های بریتانیا» عنوان شده است. تقلیل اعتراض به غارت و همین‌طور محدود کردن فضا به «خیابان‌های بریتانیا» نقطه شروع برساخت روایی مضامین تلویحی است. در این بند، معترضان «جوانان و نوجوانان» و کنش آنان، «شورش و غارت» نامیده شده است.

در بند دوم، فاکت‌های بند اول آمده است. در این بند «کشته شدن جوان سیاهپوست» اشاره به رنگین پوست بودن فرد مقتول دارد که به سویه‌های نژادپرستی و بازتولید آن، با صحبت از غارت فروشگاه‌ها اضافه می‌شود.

بند سوم، فاکتی در تأیید اتهامات سایت به معترضان است که این بار از «زبان رسانه‌های بریتانیا» بیان می‌شود. در این بند، باز هم ما با تقلیل کنش اعتراضی روبه‌رو هستیم و آن در عبارت «بطری و وسایل آتش‌بازی» است که مورد استفاده «تعدادی جوان» بوده است.

بند چهارم، باز هم در تمجید از واکنش‌های پلیس لندن است و از چنان غلظتی برخوردار است که اعتراض را در نطفه به غارت تعبیر کرده است.

بند پنجم، تعبیر جوانان غارتگر و تأییدیه رسانه‌های انگلیس را در این مورد را به شهر بیرمنگام تعمیم می‌دهد. این تعمیم در مورد بریستول و لیورپول نیز تکرار می‌شود.

بند ششم، تعبیر سایت از اعتراضات است که به صورت کلی بیان شده است. در این اثنا از زبان برخی رسانه‌ها آورده شده است که این تظاهرات در ادامه اعتراضات دانشجویی و ناخرسندی آنها از کاهش هزینه‌های دولتی است. این گزاره تلویحی، تنها در تداوم تقلیل اعتراضات انگلیس به غارتگری جوانان است که «هیچ انگیزه مشخص

اجتماعی یا سیاسی ندارد». بعید به نظر می‌رسد که حرکتی با این گستردگی، در فرهنگ لیبرال انگلیس، سیاسی نباشد.

بند هفتم نیز، هشدار جمهوری اسلامی به انگلیس است، که «خویشترنداری پلیس انگلیس در برخورد با تظاهرکنندگان منطقه تاتنهام» را خواستار شده است. این بند دخلی در متن خبر ندارد و بی بی سی سعی کرده است با همنشین کردن توصیفاتش از کنشگران معترض با پیام وزارت خارجه ایران، آن را کم اهمیت جلوه دهد. بدیهی است که طرح این مسئله با پیام رسمی، سوءاستفاده از حرکت دیپلماتیک ایران است.

د) تحلیل داده‌ها بر اساس قاعده کلی شیوه

قاعده کلی شیوه عبارت است: از مبهم‌گویی پرهیز کنید، از گنگی معنا اجتناب کنید، کوتاه و مختصر سخن بگویید (از درازگویی غیرضروری پرهیزید) و منظم باشید. در بررسی قاعده کلی شیوه می‌توان به ساخت‌های نحوی به کار برده شده در متن خبر اشاره کرد. یکی از فنون خبرنگاری، بی‌اهمیت کردن یا مبهم ساختن کنشگر، با استفاده از جملات مجهول است. در تحلیل این خبرها خواهیم دید که چگونه شیوه نقل خبر، در معانی، ایجاد گنگی می‌کند و این گنگی خود نقش‌هایی را بر عهده می‌گیرد.

۱. قاعده کلی شیوه در خبر فرانسه

در بند اول، اشاره مبهم «نواحی آشوب‌زده‌ای که در حومه پاریس قرار دارند» باعث می‌شود که اعتراضات بسیار گسترده جلوه داده شوند و مسئله، تعمیم‌یافته و بی دلیل جلوه کند. این ناشناس بودن، منتج به معانی ضمنی‌ای می‌شود که در قاعده‌های کلی قبلی بیان کردیم. بند دوم، «دست‌کم ۱۵ اتومبیل در اولنه سویوا در حومه شمال شرق پاریس به آتش کشیده شد» و «۳۴ نفر نیز دستگیر شدند» با صورت فعل‌های مجهول، هویت معترضان و نفس اعتراضات را در هاله‌ای از ابهام می‌برد. این راهکار، یعنی استفاده از صورت مجهول فعل در متن، در مواردی است که نویسنده به هر دلیل، قصد ندارد به کنشگر یا فاعل عمل انجام شده اشاره کند. در ادامه خواهیم دید که این ابهام به نویسنده امکان می‌دهد به صورت کلی، همه مهاجران مسلمان فرانسه را در اعتراضات دخیل کند، چرا که اشاره

صریح یا دقیق به هویت این تظاهرکنندگان و بازداشت‌شدگان در مناطق مورد نظر، رسانه را وادار می‌سازد که گفتمان صریحی را در ارتباط با اعتراضات مردم فرانسه مطرح کند. بند سوم، «دو نوجوان از مهاجران شمال آفریقا دچار برق‌گرفتگی شدند» در جمله دوم باعث می‌شود که فاعل این قضیه در هاله‌ای از ابهام فرو رود و خیلی سریع این پیش‌فرض در ذهن مخاطب شکل بگیرد که عامل آن چه کسی بوده است و این مهاجران چرا دچار برق‌گرفتگی شده‌اند. در عین حال، اشاره ساده فوق، مرگ دو نوجوان را در عین تقلیل دادن، امری عادی جلوه می‌دهد. برای مثال، می‌توان تصور کرد که اگر دو نوجوان سفیدپوست لندن دچار حادثه مشابهی می‌شدند، بیان بی‌بی‌سی چه تغییری پیدا می‌کرد.

بند چهارم، نیز «افراد معترض مأموران پلیس را متهم کرده‌اند که ...» به ساده‌ترین شکل ممکن بیان شده است، چرا که در صورت ارائه اطلاعات کافی، مانور سایت در مورد اخبار اعتراضات کم می‌شد. اما به این ترتیب، سایت اجازه دارد که خبر «شلیک گاز اشک‌آور به درون مسجد» را به راحتی و بدون نیاز به ارجاع به مکان مشخص و کنشگران مشخص مخابره کند.

در بند پنجم، بدون مقدمه، در میان اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه هستیم. در این اظهارات «قانون» و «افزایش رفتار مبتنی بر بی‌قانونی» مورد تأکید قرار گرفته است. در مورد اینکه شیراک در کجا و در چه زمانی اظهار نظر کرده است، هیچ اطلاعی ارائه نشده است. در ادامه با «به تعویق افتادن سفرهای خارجی مقامات»، شاهد بی‌نظمی بیشتری هستیم که منجر به استیصال مقامات شده است. در این بند، از اظهارات شیراک که در تقابل با گزاره‌های خبری مبهم قرار داده شده‌اند، استفاده زیادی شده است. در ادامه، باز هم «خشونت‌های بیشتر» و «۹ محله فقیرنشین» را بدون ارائه اطلاعات بیشتر داریم، که تنها گسترش اعتراضات مبهم را در بر می‌گیرد.

در بند ششم آمده است، «طی آشوب‌های خیابانی جوانان معترض بار دیگر به سوی مأموران پلیس سنگ پراندند و چند ماشین را به آتش کشیدند»، در این مورد نیز تنها اطلاع ارجاعی مشخص، «محلات شمال شرق پاریس» است. در این متن، ما جوانان معترض بی‌هویتی را داریم که در زمان و مکان نامشخصی در برابر پلیس قرار گرفته‌اند و به دلایل واهی مشغول نقض قانون هستند.

در بند هفتم، تنها باز هم تأکید بر «مهاجران ساکن حومه» است که پلیس را به اعمال خشونت متهم کرده‌اند.

بند هشتم، بیان خودداری خانواده دو مقتول از دیدار با نیکولا سارکوزی است، البته مشخص نیست که این چند جمله، با چه پیوندی به جملات قبل و بعد خود متصل شده‌اند. بیشتر به نظر می‌رسد که کاربرد این فاکت، به منظور تشدید شکاف بین معترضان بی‌هویت (همه مسلمانان مهاجر فرانسه) و کل دولت و ملت فرانسه (پلیس، شیراک و سارکوزی) بوده است.

بند نهم، واکنش نیکولا سارکوزی را به این قضایا در قالب اظهارنظرهای وی مطرح می‌کند. اما نکته قابل بررسی، شیوه بیان این اظهارات است. این اظهارات بدون مکان و زمان جلوه داده شده‌اند. در کل، در این متن، با حذف زمان و مکان، با هر کنش، اظهارنظر یا رفتاری، به شیوه‌ای متن زدوده و در خلأ برخورد شده است و انضمام این اطلاعات به جامعه فرانسه قطع شده است.

بند دهم، در خصوص با قضایای فرانسه، اطلاعاتی اضافی ارائه می‌دهد که درست بودن آنها مشخص نیست. در این بند، با زبانی بینابین جامعه‌شناسی و ادبیات، اوضاعی در «حومه‌های پیرامون پاریس» به تصویر کشیده می‌شود که در حال حاضر، دشوار و نا به سامان است و در آینده هم اگر با همین روند حفظ شود، «کانون تنش‌های شدید و خطرناک خواهد شد». این اطلاعات اضافی در واقع چیزی در مورد اتفاقات واقعی، کنش‌های مردم و مقامات دولتی به دانش مخاطب اضافه نمی‌کنند. این بار اضافی اطلاعات در واقع تأیید گزاره‌های قبلی است. اما از نگاه تأثیر بر مخاطب، گزاره‌ها این معنی ضمنی‌ای برمی‌سازند که مسلمانان هر روز بیش از پیش، به عنوان خطری بالقوه امنیت فرانسه را تهدید می‌کنند و البته فرانسه را می‌توان مجاز جزء از کل در نظر گرفت. در این مجاز، فرانسه جزء است و با آوردن آن، مراد کل یا همان اروپاست.

بند یازدهم، در واقع تعبیر علمی همان فاکت‌های ارائه شده است. در این بند، از زبان صاحب‌نظران بیان می‌شود که: «مهاجران در جامعه فرانسه به خوبی جذب نشده‌اند. آنها با خرده‌فرهنگ‌های بیگانه به فرانسه آمده و در انزوا باقی مانده‌اند. بسیاری از آنها نظام سیاسی و حقوقی فرانسه را دشمن خود می‌دانند». جذب نشدن، با خرده‌فرهنگ‌های بیگانه آمدن، در انزوا باقی ماندن و البته در نهایت نظام سیاسی فرانسه را قبول نداشتن، در

محک با قاعده کلی شیوه، نه تنها اطلاعات لازم خبری نیستند، بلکه بیشتر پیش فرض‌هایی عقیدتی هستند که این سایت با توجه به موضع‌گیری سیاسی خود، ملزم به بیان آنها شده است. باز هم یادآوری می‌کنیم که این اتفاقات در سال ۲۰۰۵ رخ داده‌اند و در آن تاریخ، گفتمان غالب در رسانه‌های اروپایی که این وقایع هم جزئی از آن هستند، اسلام‌ستیزی و جنگ امریکا و انگلیس در عراق و خلیج فارس بوده است. به طور قطع، در آن شرایط، شنیدن این خبر و تأثیر آن متفاوت با چیزی بوده است که امروز مشاهده می‌کنیم. در آن مقطع زمانی، اشاره به اوضاع مسلمانان خالی از سوگیری رسانه‌ای نبوده است.

بند آخر، مهاجران مسلمان ساکن فرانسه را که در بندهای قبلی، مبهم و جمعی به تصویر کشیده‌اند، از نظر تعداد به توصیف می‌کشد. صرف ارائه آمار در ارتباط با بخشی از جمعیت یک کشور که تنها در پیشینه ملیت با بقیه متفاوت هستند، کافی است تا ارائه آمار در این بند را در ادامه روندی عقیدتی در خصوص اسلام‌ستیزی بدانیم. نشان‌گذاری سایت بر مسلمانان، آنان را انسان‌های غریبه‌ای تصویر می‌کند که در جامعه فرانسه مزاحم و آشوبگر هستند. در صورتی که این مردم بخشی از جمعیت آن کشور هستند و مهاجرت آنان، پیرو گفتمانی تاریخی بوده است.

۲. قاعده کلی شیوه در خبر انگلیس

بند اول، با ناگفته گذاشتن اصل خبر و آغاز آن با واکنش کامرون، راهکاری در پیش گرفته است تا کابینه کامرون و دولت انگلیس را در این قضیه کنشگر نشان دهد. با این راهکار، معترضان در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. در مقایسه با خبر قبلی می‌بینیم که شیراک، یک هفته پس از آشوب‌های پاریس سخن می‌گوید، در حالی که در این خبر، کامرون پیش از هر اتفاق احتمالی صحبت می‌کند. در سنجش با قاعده کلی شیوه، از نظر ایجاز نیز این بند، چیزی در حدود یک سوم خبر را تشکیل می‌دهد که چندان طبیعی نیست. در این بند، مخاطب قبل از آنکه به اصل خبر برسد، باید از پیش فرض‌های بی بی سی در خصوص اقتدار دولت، تعداد نیروهای پلیس و کمیته‌های بررسی اوضاع با خبر شود. در این بند، در گام نخست، معترضان بدون هیچ دلیل منطقی «مرتکب‌شوندگان خشونت»، «جوانان و نوجوانان» و «شورش و غارتگر» نامیده می‌شوند و کنش اعتراض آنان با عبارات «ناامنی و برهم زدن آرامش»، «صحنه‌های

خسونت و غارت در خیابان‌های بریتانیا» و «شورش و غارتگر» توصیف می‌شود. بدیهی است که همیشه رسانه‌های غربی، ادعای آزادی بیان و مخالفت با مراجع قدرت را دارند، اما در این خبر، بی بی سی ثابت می‌کند که چگونه از نظر گفتمانی، در همان آغاز اعتراضات، اذهان عمومی را منحرف می‌کند و با به کارگیری زبانی تحریفی، وقایع را به شیوه دیگری بازتاب می‌دهد.

بند دوم، با بیان وقایع اولیه است. بدون اشاره به دلیل کشته شدن «جوان سیاهپوست» و کسی که قتل را مرتکب شده است؛ «مأمور پلیس» و چرایی این قضیه؛ «رفتار نژادپرستانه پلیس»، تنها سه بار حمله به پلیس را مطرح می‌کند. «حمله به پاسگاه پلیس»، «حمله به مأموران پلیس» و «خودروهای پلیس». در این خبر، پلیس به صورت ویژه‌ای مورد حمایت بی بی سی قرار گرفته است و این نشان از پشتیبانی بی بی سی از قدرت و تحریف خبر به سود دولت انگلیس دارد.

بند سوم، بیان اطلاعات بدون استنادی است که تنها در آنها بر «جوان بودن معترضان» و «به آتش کشیدن اموال عمومی» و «حمله به پلیس» تأکید می‌شود.

بند چهارم، بر اقتدار پلیس انگلیس تأکید دارد و در صدد است با جلوه دادن واکنش دولت و مقامات انگلیس به صورت اغراق‌آمیز، آن را کنشگرانه بازنمایی کند. در عین حال ما همچنان از دلیل این اعتراضات، از چرایی آنها و دیگر فاکت‌هایی که در خبر به دنبال آن هستیم محروم می‌مانیم.

بند پنجم، در عین حال که به «جوانان و غارت فروشگاه‌ها» می‌پردازد، این گزاره‌ها را از جانب «رسانه‌های بریتانیا» تأیید می‌کند.

در بند ششم، ادعای برخی از روزنامه‌های انگلیس؛ «کاهش هزینه‌های دولتی باعث ناخرسندی در میان طبقات کم‌درآمد شده است» را مطرح می‌کند و برخلاف اطلاعات پیچیده‌ای که در خبر قبلی برای مسلمانان ساکن فرانسه ارائه کرده است، به همین سادگی مبدأ قضایا را «ناخرسندی در میان طبقات کم‌درآمد» می‌گیرد و گزاره خود را به صورتی کاملاً عقیدتی «به نظر نمی‌رسد که شورش‌های خیابانی با انگیزه‌های مشخص اجتماعی یا سیاسی صورت گرفته باشد» تأیید می‌کند. به این ترتیب، «غارتگری در خیابان‌ها» جای اعتراضات و فقر و ناخرسندی جای «دلیل اعتراض» را می‌گیرند.

بند هفتم، با دخیل کردن یک کنش دیپلماتیک از سوی وزارت خارجه ایران با مسئله‌ای اجتماعی در لندن، در صدد است تا با توجه به رابطه‌ای این سایت با ایران، معانی ضمنی بیشتری تولید کند و از هسته اصلی خبر فاصله بگیرد.

نتیجه‌گیری

اصل همکاری گرایس که دارای چهار قاعده کلی است، تصویری ایده‌آل از یک ارتباط به دست می‌دهد. با به کارگیری این اصل در بررسی متون خبری به نتایج قابل توجهی می‌رسیم. گرچه نمی‌توان انتظار داشت که قاعده‌های کلی کمیت، کیفیت، ارتباط و شیوه به صورت ایده‌آل رعایت شوند، با در دست داشتن آنها و مبنا گرفتن هر یک در تحلیل روند تعامل ارتباطی می‌بینیم که خبر و خبررسانی تا چه حد ممکن است از نقش مورد ادعا فاصله بگیرند و محملی برای دیگر نقش‌های گفتمانی شوند.

در بررسی این دو خبر از سایت بی بی سی، بیش از هر چیز صورت‌های زبانی به کار گرفته شده برای انتقال معنا و مانور آنها جلب توجه می‌کند. صورت زبانی به کار رفته در این اخبار، از چینش و ترتیبی برخوردار است که علاوه بر انتقال معنی، نقش‌هایی را هم ایفا می‌کند. بدیهی است که بخش اعظمی از معانی ضمنی مورد نظر رسانه‌ها از طریق همین نقش‌ها منتقل می‌شوند.

در بررسی اخبار، نکته دیگری هم حاصل می‌شود. اخبار تنها اطلاع‌رسانی نیست و بخش عمده‌ای از آن بازتاب گفتمان عمومی است. اخبار نمی‌تواند چیزی جدای از گفتمان عمومی باشد. به همین دلیل، در تحلیل خبر، وجوه زمانی و مکانی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. گفتمان عمومی از طریق سازوکارهای تلویحی (که برای نمونه برخی از آنها را در دو متن خبری بالا مشاهده کردیم) زمینه‌ای را فراهم می‌کند که معنای خبر برخاسته از آن است. طرح این مسئله البته از بابت نگاه انتقادی نیست، بلکه بیشتر تلاشی که در رهیافت‌های انتقادی صورت می‌گیرد به این دلیل است که کارکرد رسانه‌ها به این شیوه، به صورت پیش‌فرض در گفتمان عمومی مطرح شود.

از سوی دیگر، طرح شیوه‌های تحلیل معنایی، گفتمانی و نگاه متنی به اخبار، دریچه‌ای را در تحلیل رسانه‌ها می‌گشاید که گویا تحلیل رسانه‌ها از نگاه روش‌های تحلیل کمی، دستیابی به ظرافت‌ها و فنون انتقال معنا را مشکل می‌کند. برای مثال، با

هیچ روش کمی نمی‌توان صورت‌های زبانی و چینش آنها در خبر را مورد تحلیل قرار داد. صورت یک واژه واحد در متن، می‌تواند در سطح نحو، معنی‌شناسی و گفتمان، معانی و نقش‌های متعددی بپذیرد. همین صورت در یک تحلیل کمی، به عنوان یک امتیاز در نظر گرفته می‌شود. طبیعی است که در یک تحلیل کمی، ژرف‌نگری در متن و سازوکارهای صوری و معنایی آن دور از نظر قرار می‌گیرد.

منابع

- Austin, J.L. (1962). **How to Do Things With Words**, Oxford: Clarendon Press.
- Buhler, K. (1978). **Sprachtheorie: Die Darstellungsfunktion der Sprache**, Frankfurt: Ullstein (Erstausgabe 1934).
- Frege, F.L.G. (1892). **Über Begriff und Gegenstand** in Vierteljahresschrift für wissenschaftliche Philosophie XVI, Pp. 192-205.
- Grice, P. (1975). **Logic and Conversation in Cole**. Pp. 45-60.
- Jakobson, R. (1974). **Aufsätze zur Linguistik und Poetik**, Herausgegeben und eingeleitet von W. Raible. Munchen: Nymphenburger.
- Searle, J.R. (1969). **Speech Acts**, London: Cambridge University Press.
- Van Dijk, T.A. (1985). **Semantic Discourse Analysis in Discourse**, Vol. 2, Pp. 103-110.